

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند

طبق روایات اهل بیت علیهم السلام

به قلم

شیخ حیدر زبیدی

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند
نام کتاب اصلی	رایة الحسني رایة ضلال حتی یُسَلِّم الأمر للیماني
نویسنده	شیخ حیدر زیادی
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>علیه السلام</small>
نوبت انتشار	اول
تاریخ انتشار	۱۴۰۲
تاریخ انتشار کتاب اصلی	۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۸ م
کد کتاب	-
ویرایش ترجمه	اول

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن علیه السلام
به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

www.almahdyoon.co

www.almahdyoon.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۵
- نتیجه‌ای که می‌توان از روایات اهل بیت علیهم‌السلام به دست آورد ۱۸

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند

﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهَمُّ
عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ﴾^۱ (و اگر حق از هواهای نفسانی آنان پیروی می کرد بی تردید آسمان ها
و زمین و هر که در آن هاست تباه می شد؛ بلکه ما ذکرشان را به آنان دادیم، ولی آنان از ذکر
خود روی گردان اند).

ما در زمان ظهور مقدس «ولی الله الاعظم» هستیم، و این موضوع تقریباً مسلم و قطعی
شده است، حتی در میان اکثریت قریب به اتفاق کسانی که از این امر دور شده اند: ﴿إِنَّهُمْ
يَرَوْنَهُ بَعِيدًا * وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾^۲ (آنان آن را دور می بینند * ولی ما نزدیکش می بینیم) و کسانی که
به این امر اذعان نکردند مگر پس از اینکه روایات اهل بیت علیهم السلام عملاً در زمین پیاده شد آنان را
به تسلیم واداشت؛ البته منظور بنده شیعه ها و سنی هایی که همواره کلام ائمه علیهم السلام را انکار و
تکذیب می کنند نیست؛ زیرا کسی که به گفتار آنها کفر بورزد به تقلین کفر ورزیده است و
دیگر چیزی ندارد که از گمراهی محافظتش کند... چراکه ایمنی از گمراهی، چنگ زدن به
هر دو ثقل است.

با توجه به اینکه ما در عصر ظهور هستیم، و با توجه به اینکه از اهل بیت علیهم السلام نقل شده
است پرچم هایی که برافراشته می شوند دوازده پرچم هستند که فقط یکی از آنها حق است،
پس ما چاره ای نداریم جز اینکه این «پرچم حق» را شناسایی کنیم.

۱. مؤمنون: ۷۱.

۲. معارج: ۶ و ۷.

• از مفضل بن عمر جعفی، از اباعبدالله (علیه السلام) نقل شده است: ... اباعبدالله (علیه السلام) به من فرمود: «بر حذر باشید از شهرت دادن. به خدا قسم قطعاً مدتی از روزگارتان را پنهان خواهد بود و از یادها خواهد رفت تا آنکه گفته شود: او مُرد، کشته شد و به کدام بیابان رفت، و چشم‌های مؤمنین برای او اشک‌بار خواهد شد، و همچون زیورود شدن کشتی در میان امواج دریا زیورود خواهند شد و فقط کسی نجات خواهد یافت که خداوند از او پیمان گرفته، و ایمان را در دلش نوشته و او را به روحی از جانب خودش یاری کرده باشد. قطعاً دوازده پرچم مشتبّه برافراشته می‌شود، به طوری که از یکدیگر بازشناخته نشود.» گوید: من گریستم. به من فرمود: «چه چیزی تو را به گریه می‌اندازد؟» عرض کردم: فدایتان شوم، چگونه گریه نکنم در حالی که شما می‌فرمایید دوازده پرچم مشتبّه که از یکدیگر بازشناخته نمی‌شوند برافراشته می‌شود. گفت: امام (علیه السلام) به سکویی در خانه که نور خورشید به آن تابیده بود نگاه کرد و فرمود: «این خورشید نورافشان را می‌بینی؟» عرض کردم: بله. فرمود: «به خدا سوگند، امر ما از این آفتاب روشن‌تر است.»^۱

این پرچم هدایتی که اهل بیت (علیهم السلام) به آن اشاره کرده‌اند همان پرچم یمانی است، و او زمینه‌ساز اصلی ظهور، و جانشین و وصی و وزیر امام مهدی (علیه السلام) است. «حق» یکی است و چندگانه نمی‌شود: ﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصِرُّونَ﴾^۲ (این است خدا، پروردگار حقیقی شما؛ و بعد از حقیقت چه چیزی است؟ آیا جز گمراهی؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوید؟).

• از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است، فرمود: «... و در میان این پرچم‌ها، هدایتگر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم هدایت است؛ زیرا شما را به سوی صاحب‌تان دعوت می‌کند. وقتی یمانی خروج کرد فروش سلاح بر مردم و همهٔ مسلمانان حرام می‌شود؛ و اگر یمانی خروج کرد

۱. غیبت نعمانی: ص ۱۵۲.

۲. یونس: ۳۲.

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۷

به‌سوی او بشتابید؛ زیرا پرچم او، پرچم هدایت است؛ و برهیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند، و هرکس چنین کند از اهل جهنم است؛ زیرا او به‌سوی حق و راه مستقیم دعوت می‌کند.»^۱

به‌علاوه پس از آنکه مشخص شد یمانی حجتی از حجت‌های خداوند است هرکس از او سرپیچی کند از اهل جهنم خواهد بود حتی اگر به حجت‌های پیش از یمانی اقرار داشته باشد؛ زیرا جهنم برای کسی که از ولایت خارج شود بدون هیچ استثنایی با صرف‌نظر از اعمالی که انجام داده است واجب می‌شود، و کسی که از یکی از حجت‌های الهی سرپیچی کند از ولایت خارج است. برای مطالعه بیشتر می‌توانید به «بیانیه یمانی» مراجعه کنید.

از جمله پرچم‌هایی که خارج از ولایت یمانی است و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام وارد شده، پرچم حسنی است؛ بنابراین پرچم حسنی پرچم گمراهی است مگر هنگامی که با یمانی بیعت کند.

• از یعقوب سراج نقل شده است، گفت: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمود: «آن هنگام که فرزندان عباس دچار اختلاف شوند، و سلطنتشان به ضعف گراید، و کسی که طمع نمی‌کرد در آن‌ها طمع کند، و اعراب حاکمان خود را سرنگون کنند، و هر صاحب قدرتی وارد میدان شود، و سفیانی پدیدار شود، و یمانی روی آورد، و حسنی به حرکت درآید. صاحب این امر با میراث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مدینه به‌سوی مکه عزیمت می‌کند.»
عرض کردم: و میراث رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چیست؟ فرمود: «شمشیر و زره و عمامه و ردا و پرچم و عصا و اسب و رکاب و زین حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.»^۲

این فرمایش امام صادق علیه‌السلام «و یمانی روی آورد، و حسنی به حرکت درآید» یعنی حسنی پرچم مستقلی جدا از پرچم یمانی دارد و زیر پرچم یمانی نیست، یعنی سرپیچی‌کننده از اوست،

۱. غیبت، محمد بن ابراهیم نعمانی: ص ۲۶۴.

۲. غیبت نعمانی: ص ۲۷۸.

و این در دوره زمانی پیش از ظهور امام مهدی (علیه السلام) است؛ بنابراین دست‌کم در ابتدای دوره زمینه‌سازی - که طبق برخی از روایات هفتاد و دو ماه می‌شود - او صاحب پرچم گمراهی است و از یمانی سرپیچی می‌کند، اما درباره عاقبتش می‌گوییم: خداوند با چیزی بهتر از «پداء» عبادت نشده است؛ و این یعنی پرچم حسنی در ابتدای امر گمراه و گمراه‌کننده است تا آنکه به بیعت امام مهدی (علیه السلام) درمی‌آید، و یمانی همان بنده‌ای است که امر بیعت را بر عهده می‌گیرد، و حسنی تا زمانی که با این بنده‌ای که عهده‌دار بیعت است یعنی یمانی - بیعت نکند گمراه خواهد بود. بنابراین هرکسی از حسنی پیروی کند و پیش از پیوستن به یمانی بمیرد از جمله سرپیچی‌کنندگان در برابر یمانی و اهل آتش خواهد بود. به‌علاوه شواهد و قرائن دیگری نیز وجود دارد که به گمراهی پرچم‌های حسنی دلالت، و تأکید می‌کنند این امر در نسل حسین (علیه السلام) است:

• از ابوجعفر محمد بن علی (علیه السلام) نقل شده است: درباره فرج پرسیده شد که چه زمانی است؟ فرمود: «**خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾** (پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم).» سپس فرمود: «برای آل جعفر بن ابوطالب پرچم گمراهی برافراشته می‌شود. سپس برای خاندان بنی‌عباس پرچمی گمراه‌تر و شرورتر از آن برافراشته می‌شود. سپس برای خاندان حسن بن علی (علیه السلام) پرچم‌هایی برافراشته می‌شود و چیزی نیستند [حق نیستند]. سپس برای فرزند حسین (علیه السلام) پرچمی برافراشته می‌شود که این امر در آن است.»^۱

• از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است، فرمود: «... **برحذر باشید از شذاذ [فریب‌کاران] از آل محمد (علیهم‌السلام)؛ زیرا آل محمد و علی یک پرچم دارند و دیگران پرچم‌ها. پس بر جای خود بایست و هیچ حرکتی نکن و هرگز از هیچ کدام از آنان پیروی نکن تا مردی از فرزندان حسین (علیه السلام) را ببینی که عهد پیامبر و پرچم و سلاحش به‌همراه اوست. عهد پیامبر به علی بن حسین (علیه السلام)**

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۹

رسید و سپس به محمد بن علی علیه السلام، و خداوند هرچه بخواهد انجام می‌دهد. همیشه همراه آنان باش، و از آن‌هایی که برایت ذکر کردم برحذر باش. پس هنگامی که یکی از آنان خروج کرد در حالی که سیصد و چند نفر همراهش باشند و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز به همراهش باشد، درحالی که قصد مدینه را کرده است...»^۱

چوننده حق باید در این تأکید آل محمد علیهم السلام دقت داشته باشد که حق در فردی از نسل حسین است و نفرموده‌اند در فردی از نسل حسن؛ به‌علاوه امام علیه السلام با این فرمایش خود «و از آن‌هایی که برایت ذکر کردم برحذر باش» بر اجتناب از هر پرچمی غیر از پرچم فردی از نسل حسین که وصیت و پرچم و سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله را به‌همراه دارد تأکید می‌فرماید.

منظور از «عهد» همان وصیت است، و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله «البيعة لله: حاکمیت خدا»، و سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن است، و این‌ها سه‌گانه‌ای هستند که هیچ‌کسی جز سید احمد الحسن علیه السلام با خود نیاورده است؛ یعنی:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره سید احمد الحسن وصیت کرده، و اسم او در وصیت ذکر شده است؛ به‌علاوه ایشان پس از چهارمین پدر، مقطوع‌النسب است. بنابراین تنها شخصیتی است که می‌تواند احتمال برود از نسل امام مهدی علیه السلام باشد و این احتمال در میان اصحاب پرچم‌های متشابه موجود، درباره هیچ شخص دیگری محلی ندارد.

از اباعبدالله امام صادق علیه السلام، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است، فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبی که از دنیا رفت به علی علیه السلام فرمود: ای ابالحسن! صحیفه و دواتی آماده کن. حضرت علیه السلام وصیتشان را به امیرالمؤمنین علیه السلام املا فرمود تا به اینجا رسید: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و بعد از آن‌ها دوازده مهدی؛ و تو ای "علی" اولین نفر از دوازده امام هستی... و حدیث را ادامه می‌دهد تا اینکه زمانی که وفات او [حسن عسکری]»

فرارسید آن را به فرزندش "محمد" که نگهداشته شده از آل محمد (علیهم السلام) است بسپارد. این دوازده امام بود و بعد از آن دوازده مهدی خواهد بود. پس وقتی زمان وفات او رسید [وصایت و جانشینی مرا] به فرزندش که اولین [نفر از مهدیین و] مقربین است تسلیم نماید و او سه نام دارد؛ یک نامش مانند نام من، نام دیگرش مثل نام پدر من است و آن عبدالله و "احمد" است و سومین نام او مهدی است؛ و او اولین مؤمنان است.»^۱

و در حدیثی طولانی درباره وصیت آمده است: «... سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: و برده آن را به من داد، و من هم آن را به تو می‌دهم ای علی، و تو آن را به وصی خود می‌دهی، و وصی تو آن را یکی بعد از دیگری- به اوصیای تو از فرزندان می‌دهد، تا آنکه پس از خودت به بهترین مردم روی زمین تحویل داده می‌شود. قطعاً امت به تو کافر می‌شوند و به خاطر تو دچار اختلاف شدیدی می‌گردند. کسی که با تو ثابت قدم بماند همانند کسی است که با من بوده، و کسی که با تو دشمنی کند در آتش است، و آتش جایگاه کافران است.»^۲

۲. پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) «البیعة لله» است؛ و سید احمد الحسن تنها کسی است که خواهان نقض و نپذیرفتن حاکمیت مردم و انتخابات توسط آنهاست، و خواهان حاکمیت خدا و بیعت با امام مهدی (علیه السلام) است و هیچ انتخاب دیگری غیر از این را بر نمی‌تابد؛ اما بقیه فقها و اصحاب پرچم‌ها، آنها بی هیچ مشکلی- حاکمیت مردم و انتخابات را تأیید کرده‌اند و حتی آن را واجب دانسته‌اند و برخی از آنها حتی انتخابات را برتر از نماز و روزه دانسته‌اند. این‌ها فرسنگ‌ها به دور از پرچم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یعنی «حاکمیت خدا» هستند. به این ترتیب روشن می‌شود صاحب و برافرازنده این پرچم «البیعة لله» یگانه شخصی است که با دستاویز قرار دادن دین خدا سازش یا چالپوسی و تملق نمی‌کند و این شخط فقط و فقط سید احمد الحسن است ... بنده می‌گویم «فقط» و مسئولیت چیزی را که

۱. غیبت طوسی: ص ۱۵۰؛ غایة المرام: ج ۲ ص ۲۴۱.

۲. الامامة والتبصرة، ابن بابویه قمی: ص ۲۳.

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۱۱

می‌گوییم می‌پذیریم ... چراکه هرکسی انتخابات را رد کرده است فقط به وجود «اشغالگری» اعتراض کرده، و به جوهر و اصل این مسئله نپرداخته است؛ یعنی به اصل حاکمیت خدا و بیعت با ولیّ خدا و نپذیرفتن حاکمیت مردم و انتخابات مردم. هرکس خواهان اطلاعات بیشتری است می‌تواند به کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» نوشته سید احمدالحسن مراجعه کند.

۳. سلاح رسول خدا ﷺ قرآن است، و این نخستین دلیلی است که سید احمدالحسن ارائه کرده و تمامی علما را به مناظره براساس کتاب خدا فراخوانده؛ ولی هیچ‌کدام از آنان این دعوت را اجابت نکرده است، و همه از روبرویی شانه خالی کردند و گریختند، حتی کسی که ادعای مناظره می‌کرد و دم از مناظره می‌زد ... سپس رسول خدا ﷺ وقتی راهی میان خودش و اهل کتاب که بر آن اتفاق نظر باشد نیافت و آن‌ها دلیل را نپذیرفتند درست مثل وضعیتی که امروز علمای بی‌عمل در برابر سید احمدالحسن دارند. در این هنگام رسول خدا ﷺ آنان را به مباحله دعوت کرد و آنان را به سوی کلمه‌ای که میان خودش و آنان یکسان بود و توجه به سوی آن معبود بزرگ و بلندمرتبه فراخواند. سید احمدالحسن نیز به مباحله فراخواند، و سپس به مناظره با قرآن به‌عنوان کلامی که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند دعوت کرد. کسی که کتاب خدا را خوار و سبک شمرده است در برابر ماست و قضاوت را به دیگری می‌سپاریم؛ و لعنت خدا بر هرکسی که کتاب خدا را سبک می‌شمارد و به چیز دیگری متوسل می‌شود.

به علاوه میراث رسول خدا ﷺ که روایات پیشین و دیگر روایات توصیفش کرده‌اند توصیفی نمادگونه و رمزی است نه میراث مادی قابل لمس، همان طور که به‌روشنی در روایت بعدی دیده می‌شود:

• از یزید بن سلیط زیدی در حدیثی طولانی روایت شده است، گفت: سپس با موسی بن جعفر رضی الله عنه دیدار کردم ... سپس فرمود: «به تو خبر می‌دهم ای اباعماره من از خانام

خارج شدم. در ظاهر به فرزندم وصیت کردم و آن‌ها را با فرزندم علی شریک گرداندم، ولی به صورت پنهانی فقط به او وصیت کردم. رسول خدا (ص) را در خواب دیدم در حالی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) همراهش بود، و انگشتر و شمشیر و عصا و کتاب و عمامه را با خود داشت. به ایشان (علیه السلام) گفتم: این‌ها چیست؟ فرمود: "عمامه" سلطنت خداوند عزوجل است، "شمشیر" عزت خداوند عزوجل است، "کتاب" نور خداوند عزوجل است، "عصا" قوت خداوند عزوجل است، و "انگشتر" جامع تمامی این امور است." سپس فرمود: «رسول خدا (ص) فرمود و این امر به فرزند تو علی می‌رسد...» سپس فرمود: «ای یزید، من امسال گرفته می‌شوم. امر امامت با پسر من علی است که هم‌نام دو علی است: علی اول علی بن ابی‌طالب و علی دوم علی بن حسین (علیه السلام). فهم و علم و پیروزی و ردای علی اول به او داده شده است، و او نباید بعد از هارون تا چهار سال صحبت کند. وقتی چهار سال سپری شد هرچه می‌خواهی از او بپرس که ان شاء الله تعالی پاسخت را خواهد داد.»^۱

با توجه به مطالبی که تقدیم شد برای ما روشن می‌شود یگانه پرچم حق، در نسل حسین است نه در نسل حسن؛ و از جمله پرچم‌های حسنی گمراهی که پس از گذشت مدتی به بیعت یمانی درمی‌آید و تحت لوای امام مهدی قرار می‌گیرد «پرچم حسنی» است که پس از آنکه نفرت بسیاری گرد می‌آورد و صاحب قدرت و سپاهی در عراق می‌شود ادعا می‌کند این امر به او تعلق دارد و برای محاجه پیش می‌آید. بنده متوجه نمی‌شوم چرا این حسنی در طول مدت‌زمانی که یمانی یارانش را جمع می‌کند پا پیش نمی‌گذارد و چرا از جمله یاران یمانی نیست؟! پاسخ در روایت بعدی آمده است؛ اینکه او به سوی «خودش» دعوت می‌کند؛ یعنی من نسبت به تو به این امر سزاوارترم... و این نکته‌ای است که در روایت بعدی به روشنی دیده می‌شود:

• از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خبری طولانی که مهدی را ذکر می‌کند نقل شده است، فرمود:

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند۱۳

«... خداوند جمعیتش را بسیار می‌گرداند و پشتش را محکم می‌کند. سپس او با لشکریانش به عراق وارد می‌شود در حالی که مردم پشت‌سر و پیش رویش روانه می‌شوند. طلایه‌دار لشکر او مردی است به نام «عقیل»، و عقبه‌دار لشکرش مردی است به نام «حارث». آنگاه مردی از اولاد حسن با دوازده هزار سوار به او ملحق می‌شود و می‌گوید: ای پسرعمو، من از تو برای این امر مُجِحّ‌ترم؛ زیرا من از فرزندان حسن هستم و او بزرگ‌تر از حسین است. مهدی می‌گوید: ولی من مهدی هستم. او می‌گوید: آیا تو نشانه یا معجزه یا علامتی داری؟ مهدی به پرنده‌ای که در هوا پرواز می‌کند نگاه و به آن اشاره می‌کند و آن پرنده خود را در کف دست حضرت می‌افکند. آنگاه به قدرت خداوند متعال به سخن درمی‌آید و به امامت حضرت گواهی می‌دهد. سپس حضرت چوب خشکی را در نقطه‌ای از زمین که هیچ آبی در آن نیست می‌کارد و آن چوب خشک سبز می‌شود و برگ می‌دهد. آنگاه قطعه‌سنگ سختی را از زمین برداشته، در دستان خود مانند موم نرم می‌کند. حسنی با دیدن این معجزات می‌گوید: این امر از آن توست، و ما از تو فرمان می‌بریم. آنگاه خودش تسلیم فرمان آن حضرت می‌گردد و لشکریانش هم تسلیم می‌شوند. طلایه‌دار لشکرش مردی است که هم‌نام اوست. آنگاه او به راه می‌افتد و خراسان را فتح می‌کند. سپس به سوی شهر رسول خدا ﷺ بازمی‌گردد. مردم همه خبر او را می‌شنوند. اهل یمن و حجاز تحت فرمان او درمی‌آیند، اما قبیلهٔ ثقیف با او به مخالفت برمی‌خیزد.»^۱

و به این ترتیب حسنی تحت لوای مهدی درمی‌آید؛ و منظور از مهدی، مهدی اول (یعنی یمانی) است نه امام مهدی؛ زیرا در روایت قبل گفته شده بود: «یمانی روی می‌آورد و حسنی به حرکت درمی‌آید» یعنی حسنی پیش از بیعت و ملحق شدن به یمانی در کوفه، به حرکت درمی‌آید.

حسنی همان سید خراسانی از گنج‌های طالقان است که دوازده هزار نفر را فرماندهی و

۱. الزام الناصب في اثبات حجة الغائب: ج ۲، شیخ علی یزدی حائری، ص ۱۷۸.

از کوه‌های دیلم (ایران) خروج می‌کند؛ ولی چه بسا پیش از آن به‌سوی مناطق متعددی حرکت کرده و در نقاط بسیاری از زمین لشکرکشی کرده باشد، و سپس هنگامی که از امر یمانی (مهدی اول) مطلع می‌شود در حالی که یمانی گرد ضریح امیرالمؤمنین (یعنی کوفه) می‌چرخد و خواهان بیعت است. حسنی متوجه کوفه شده و با کلامی واضح یعنی به اسم یمانی یعنی «احمد» مردم را به یاری مهدی اول فرامی‌خواند، و می‌گوید: ای آل احمد (یعنی ای انصار احمد) آن ستم‌دیده‌ای را که اطراف ضریح امیرالمؤمنین ندا می‌دهد و یاری می‌خواهد اجابت کنید. پس دوازده هزار گنج طالقان به‌علاوه هزاران نفری که از نقاط مختلف گرد آمده‌اند او را اجابت می‌کنند. حسنی خراسانی پیش‌تر از خبر مهدی مطلع شده است ولی این تضمین نمی‌کند بسیاری از گروه‌های مختلفی که با او آمده‌اند بازنگردند و در عمل نیز عده‌ای از آن‌ها مرتد می‌شوند (و بازمی‌گردند)، و این‌ها در روایات به‌عنوان «زیدیه» توصیف شده‌اند؛ زیرا زیدیه شورش کردند ولی به‌رغم اینکه به حجت‌های قبلی اقرار کرده بودند از اقرار به حجت خدا در زمان خودشان سر باز زدند.

• از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است، فرمود: «**خداوند در طالقان گنجی دارد که نه از طلاست و نه نقره؛ دوازده هزار نفر در خراسان‌اند که شعارشان «احمد احمد» است، و جوانی از بنی‌هاشم که روی استری خاکستری سوار است آنان را رهبری می‌کند، درحالی‌که پیشانی‌بندی قرمز بسته است. گویی به او می‌نگرم که از رود فرات گذشته است. پس هرگاه آن را شنیدید به‌سوی او بشتابید حتی سینه‌خیز روی برف.**»^۱

شعارشان «احمد احمد» است؛ یعنی پس از توبه و بیعت کردنشان با یمانی به اسم مهدی اول (یمانی) ندا می‌دهند، و آن جوان از بنی‌هاشم نیز همان سید خراسانی، فرمانده گنج‌های طالقان است.

• امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «... **سپس حسنی آن جوانمردی که چهره‌ای نورانی دارد**

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۱۵

و از دیلم می‌آید با صدایی رسا فریاد می‌زند: ای آل احمد، آن دل سوخته ستمدیده را اجابت کنید؛ همان کسی که اطراف ضریح ندا می‌دهد. پس گنج‌های خداوند از طالقان به او پاسخ می‌دهند، و چه گنج‌هایی! نه از نقره هستند و نه از طلا، بلکه مردانی هستند همچون پاره‌های آهن سوار بر اسب‌های ابلق درحالی که اسلحه در دست دارند. ستمگران را پیوسته می‌کشند تا وارد کوفه می‌شوند، در حالی که بیشتر سرزمین‌ها فتح شده است، و آن سرزمین‌ها برای فتوحات دیگر، برای او دژی محکم می‌شوند.

سپس خبر مهدی علیه السلام به او و یارانش می‌رسد. به حسنی می‌گویند: ای پسر رسول خدا، این شخصی که به قلمرو ما وارد شده چه کسی است؟ حسنی می‌گوید: برویم ببینیم او کیست و چه می‌خواهد؟ به خدا قسم - این در حالی است که او می‌داند این شخص، مهدی است و او را می‌شناسد، ولی با این کار می‌خواهد او را به اصحاب خود بشناساند.

حسنی به راه می‌افتد و می‌گوید: اگر تو مهدی آل محمد هستی کجاست چوب‌دستی جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و انگشترش و ردایش و زره‌اش که «فاضل» نام داشت و عمامه‌اش «سحاب» و اسبش «یربوع» و شترش «عضباء» و استرش «دُلْدُل» و الاغش «یعفور» و نجیبش «براق»؟ و کجاست مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام؟ سپس مهدی آن‌ها را برای او می‌آورد و آن چوب‌دستی را در سنگ فرو می‌کند و فوراً به درختی سبز تبدیل می‌شود.

حسنی با این کارها فقط می‌خواهد فضیلت و برتری مهدی علیه السلام را به اصحاب خود نشان دهد تا با او بیعت کنند. حسنی می‌گوید: الله اکبر، ای پسر رسول خدا، دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنیم. پس دستش را دراز می‌کند، و حسنی و سپاهی که با حسنی هستند با او بیعت می‌کنند، به جز چهل هزار نفر از «اصحاب مُصحف‌ها» که به زیدیه معروف‌اند و می‌گویند این جز سحری عظیم نیست. دو سپاه (مهدی و حسنی) با یکدیگر متحد می‌شوند و مهدی علیه السلام به آن گروه منحرف رو می‌کند و آن‌ها را موعظه می‌کند و آن‌ها را سه روز [به حق] دعوت می‌کند، اما جز به طغیان و کفرشان نمی‌افزاید؛ پس امام علیه السلام به قتل آن‌ها فرمان می‌دهد و همه آن‌ها

کشته می‌شوند. سپس امام به اصحاب خود می‌فرماید: مُصحف‌ها را نگیرید و رهایشان کنید تا حسرتی برایشان باشد همچنان که آن را تغییر دادند و تحریف کردند و به محتویاتش عمل نکردند.» مفضل گفت: ای مولای من، سپس مهدی چه می‌کند؟ فرمود: «سپاهیان را علیه سفیانی به سوی دمشق می‌فرستد و آن‌ها او را می‌گیرند و روی صخره ذبحش می‌کنند.»^۱

اما آنچه حسنی طبق این روایت مطالبه می‌کند همان طور که پیش‌تر توضیح دادیم- نمادین است، و عاقلانه نیست چوب‌دستی و انگشتر و زره و ... و قاطر و الاغ و چیزهای دیگر از این دست را مطالبه کند تا از طریق آن‌ها او را بشناسد و برای اصحابش دلیل شمرده شوند. این به‌هیچ‌وجه عقلانی نیست؛ به‌علاوه آیا او یا یکی از اصحابش، صحابه و همراه رسول خدا ﷺ بوده است؟! بنابراین منظور این است که او چیزهایی را طلب می‌کند که با میراث انبیا ارتباط دارد؛ و اگر شخصی بگوید سبز شدن چوب‌دستی یک معجزه شمرده می‌شود در این صورت می‌گوییم پس امور دیگر چه فایده‌ای دارند و به چه چیزی دلالت می‌کنند؟!

• از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خبری طولانی روایت شده است، فرمود: «... و پرچم‌هایی بی‌نشان از مشرق‌زمین می‌آیند که نه از پنبه‌اند و نه از کتان و نه حریر؛ و بر بالایشان مهر «سید اکبر» حک شده است. مردی از خاندان پیامبر ﷺ آن‌ها را پیش می‌راند. این پرچم‌ها در مشرق نمایان می‌شوند و عطرشان همچون نسیم مشک در مغرب به مشام می‌رسد. ترس و رعب به‌مدت یک ماه پیشاپیش آن‌ها سیر می‌کند تا وقتی که به خون‌خواهی پدرانشان به کوفه وارد می‌شوند. آن‌ها در این وضعیت هستند که ناگاه سپاه یمانی و خراسانی همچون دو اسب مسابقه نمایان می‌شوند. آن‌ها سوار بر اسب، تیرهایی محکم به دست، در حالی که ژولیده‌موی، غبارآلود و قوی‌دل‌اند مانند دو اسب مسابقه بر یکدیگر پیشی می‌گیرند. چون به پاهای خود نگاه کنند می‌گویند بعد از امروز خیری در نشستن ما نیست، بارخدا یا ما به درگاه تو توبه می‌کنیم؛ و این‌ها همان ابدالی هستند که خداوند در کتاب عزیزش آن‌ها را چنین

پرچم حسنی پرچم گمراهی است تا وقتی که امر را تسلیم یمانی کند ۱۷

توصیف کرده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (یقیناً خدا کسانی را که به راستی توبه می‌کنند، و کسانی را که پاکیزگی می‌جویند دوست می‌دارد).^۱

خراسانی در این روایت همان سید حسنی، فرمانده دوازده هزار نفر خراسانی است؛ اما سپاه یمانی همان «انصار یمانی» هستند که خبر دعوت یمانی به آنان رسیده بوده و تحت پرچم خراسانی نبوده‌اند. به همین دلیل حسنی خراسانی آن‌ها را با عنوان «ای آل احمد» مخاطب قرار می‌دهد؛ یعنی «ای یاران احمد»؛ یعنی ای انصار یمانی من برای یاری صاحب‌تان به سوی او می‌روم؛ و این پس از توبه و بیعتش با یمانی است پیش از آنکه او را ببیند. به همین دلیل در روایت آمده است: «به خدا سوگند، او می‌داند این شخص مهدی است...».

اما اینکه در این روایت گفته شده «آن‌ها ابدال هستند» یعنی همان ابدالی هستند که خداوند در کتاب کریم خود درباره‌شان می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ (و اگر روی برتائید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که همچون شما نخواهند بود).

از رسول خدا ﷺ نقل شده است وقتی آیه ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ نازل شد با دست خود به پشت سلمان زد و فرمود: «آن‌ها قوم این شخص، یعنی عجم فارس هستند.»^۲

۱. الزام الناصب في اثبات حجة الغائب: ج ۲، شیخ علی یزدی حائری: ص ۱۰۳.

۲. جامع البیان، طبری: ج ۵ ص ۴۳۱.

نتیجه‌ای که می‌توان از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به دست آورد

۱. در زمان ظهور، پرچم‌های شبیه به یکدیگر یا پرچم‌هایی مشابه حق وجود دارند، اما این‌ها پرچم‌هایی باطل هستند.
۲. در زمان ظهور فقط یک پرچم که واقعاً پرچم حق است وجود دارد.
۳. پرچم حق همان پرچم یمانی است و او همان مهدی اول از مهدیون دوازده‌گانه از نسل امام مهدی (علیه السلام) است.
۴. یمانی، حسینی مهدوی است (یعنی به‌طور خاص از نسل امام مهدی است). برای جزئیات بیشتر نتیجه‌های ۳ و ۴ به بیانیه یمانی مراجعه کنید.
۵. یمانی صاحب انقلاب حسینی است؛ پس او «حسین زمان ظهور» است.
۶. یمانی خودش را معرفی می‌کند و بیعت می‌ستاند؛ زیرا مردم با ولایت او آزمایش می‌شوند و بیعت او بر آنان واجب است. او به‌سوی صاحبان دعوت می‌کند: یعنی او به‌صراحت به‌سوی امام مهدی (علیه السلام) دعوت می‌کند؛ بدون پیچاندن کلام و انتساب به اسم مرجعیت یا حزب یا هر جناح سیاسی دیگری؛ یعنی او باید به‌صراحت برای مردم بیان کند همان یمانی موعودی است که مردم در عصر ظهور به‌وسیله‌اش امتحان می‌شوند و دلایل آن را از طریق روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) ارائه دهد تا حجت برای مردم تمام شود، تا شاید مردم ایمان بیاورند. وگرنه کسی که از او سرپیچی کند از اهل آتش خواهد بود. نه به آن صورتی که عده‌ای گمان می‌کنند او ساکت و خاموش می‌ماند. بنده می‌گویم: آیا شما هم راضی می‌شوید ساکت و خاموش وارد جهنم شوید؟! آن‌ها فقط به این دلیل چنین سخنی بر زبان می‌رانند تا ترس خود را توجیه کرده باشند؛ ترس از اینکه مردم وقتی ندای حق را بشنوند و امر صاحب یگانه‌پرچم هدایت

نتیجه‌ای که می‌توان از روایات اهل بیت به دست آورد ۱۹

برایشان روشن شود آن‌ها را ترک کنند؛ و قطعاً فقط افرادی آن‌ها را رها می‌کنند که بر دین خود بیمناک باشند، وگرنه بندگان بت‌ها همچنان معتکف بت‌های خود باقی می‌مانند: ﴿قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ﴾^۱ (گفتند ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما بازگردد).

۷. پرچم حسنی تا وقتی که به بیعت یمانی وارد نشود پرچم گمراهی است.

۸. آن حسنی که با یمانی (مهدی) بیعت می‌کند از قوم سلمان و از گنج‌های طالقان است که شعارشان «احمد احمد» است و طبق روایت ندا می‌دهد: ای آل احمد.

۹. پرچم حق از خورشید آشکارتر است برای کسی که کلام اهل بیت علیهم‌السلام را بشناسد و به تقلین به‌عنوان منبعی برای در امان ماندن از گمراهی، و هدایت به راه راست پایبند باشد. به‌راستی اهل بیت علیهم‌السلام اسم و اوصاف و علم و نشانه‌ها و محل زندگی یمانی را بیان کرده‌اند، و در نتیجه برای کسی که خواهان حق باشد این امر پوشیده نمی‌ماند.

شیخ حیدر زیادی

انصار امام مهدی (خداوند در زمین تمکینش دهد)

۲۱ شوال ۱۴۲۶ ق

[۳ آذر ۱۳۸۴]